



وقف، رفتار ثابت اهل بیت (ع)

حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا صلوات الله علیها اموالی را وقف فرموده و تولیت آن را به حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی (علیهما السلام) سپس به سید الشهداء حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض سپرد.

همچنین از سایر معصومین (علیهم السلام) رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده اند؛ حتی در باره حضرت سید الشهداء (علیه السلام) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوا و غاصریه به شصت هزار درهم خریداری فرمود و آن را بر ایشان تصدق نمود.

چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، همواره به آن ذوات مقدس به عنوان سرمشق توجه داشته اند، لذا هر صحابی ثروتمند، اقدام به وقف می نمود؛ چنان که از جابر روایت شده: «لم یکن من الصحابة ذو مقدرة إلا وقف وقفاً»، یعنی هیچ صاحب مالی از اصحاب اهل بیت نبود مگر اینکه چیزی از اموالش را وقف کند!

می کنند، تا آمدند نزدیک در منزل. صدا بلندتر می شد. مامون، فرماندهان سپاه و سران قبایل را فرستاده که بروید پشت سر علی بن موسی الرضا نماز عید فطر بخوانید. اینها به سیره سالهای پیش خلفا، خودشان را آرایش و مجهز کرده و لباسهای فاخر پوشیده اند، اسبهای بسیار عالی سوار شده و شمشیرهای زرین به کمر بسته و دم در ایستاده اند که حضرت رضا با همان جلال و هیبت دنیایی و سلطنتی بیرون بیاید. یکمرتبه حضرت با آن حال بیرون آمد. در میان آنها ولوله پیچید و بی اختیار خودشان را از روی اسبها پایین انداختند و اسبها را رها کردند. تاریخ می نویسد: چون می بایست پاها برهنه باشد و آنها چکمه به پا داشتند و چکمه نظامی را به زودی نمی توان بیرون آورد، هر کس دنبال چاقو می گشت که زود چکمه را پاره و پاهایش را لخت کند. اینها نیز دنبال حضرت به راه افتادند. کم کم صدای هیمنه «الله اکبر» شهر مرو را پر کرد. مردم ریختند روی پشت بامها و به تدریج ملحق شدند. در مردم نیز روح معنویت موج می زد. حضرت می فرمود: «الله اکبر»، این شهر یکپارچه فریاد می زد: «الله اکبر». هنوز از دروازه شهر بیرون نرفته بودند که جاسوسها به مامون خبر دادند که اگر این قضیه ادامه پیدا کند، تو مالک سلطنت نیستی. سربازها ریختند که نه آقا! زحمتتان نمی دهیم، خیلی اسباب زحمت شد، خواهش می کنیم برگردید.

این، معنی روش است. مامون هم در این مورد به کتاب الله و سنت رسول الله عمل می کرد (نماز عید فطر جزء کتاب الله است) اما همان نماز، روشی پیدا کرده بود که بی محتوا و بی حقیقت شده بود. حضرت رضا علیه السلام فرمود: من حاضر نماز را بخوانم اما با روش جدم و پدرم، نه با روش جد و پدر تو.

قنوت عاشقی

آسمان که هر صبحدم تسبیح تو می گوید اینک در این صبح بارانی از شوق و شور در این عید عرفانی در مقابل روزه داران کم آورده است، این همه عاشق زیر سقف آسمان دست به سوی پروردگار به نیت پنج مهمان کساء پیامبر «اللهم اهل الکبرياء و العظمة و اهل الجود و الجبروت» راه با تو نجوا می کنند، ای تو اهل عفو و رحمت و ای اهل تقوا و مغفرت...

دانه دانه ی اشک آسمان با سرشک شوق آدمیان در آمیخته و همه فریاد می زنند «اسئلك بحق هذا اليوم» که قرارش دادی «للمسلمین عیدا» رحمت فرست بر محمد و خاندان او، بر مهدی موعود، بر منتظر دل ما، سلام ما را برسان یا الله! «و اعوذ بک مما استعاذ منه عبادک الصالحون» پناه می برم به تو از درد جانکاه انتظار...

چه نشاط انگیز است همگام با نسیم صبح بارانی پس از یک ماه روزه داری و نماز عاشقی، یک صدا با دیگر عاشقان، هم نوا با آن یار سفر کرده! ندای «اللهم ربّ

النور العظیم» سر دهی و در آخر با ضربه های قلبت «العجل، العجل، العجل» را عیدانه از خداوند درخواست کنی.

پس از یک ماه روزه داری و لب تشنگی اکنون با باران رحمت پروردگار روزه ات را افطار کن!

یاد امام مهدی در روزهای خوش

غافل از یار نباشیم!

حضرت باقر علیه السلام فرمود: «ما من یوم عید للمسلمین أضحی ولا فطر الا وهو یجدد الله لآل محمّد (ع) فیهِ حُزنا قال قُلْتُ و لم ذلک قال انهم یرون حَقهم فی ایدی غیرهم؛ هیچ عید فطر و قربانی نیست، مگر آن که با آمدن آن غم و اندوه آل محمد صلی الله علیه و آله تجدید می شود. راوی گفت: چرا در روز عید غمگین می شوند؟ امام فرمود: زیرا آنان حق خود را در دست دیگران می بینند و از این که افراد غیر شایسته بر جایگاه رهبری امت قرار دارد و امام راستین هنوز ظهور نکرده است که حکومت عادلانه و سایه پر از عدل و داد خود را بر مردم بگسترانند، غمگین و ناراحتند.

حال می توان فهمید یکی از حکمت های استحباب خواندن دعای ندبه در صبح عید فطر چیست!

اگر تو سخنران بودی...!

میرزا جواد ملکی تبریزی:

چون خواستی برای نماز عید بیرون روی که با امامی نمازگزار یا خودت امام جماعت شوی بر توست که از مصیبتی که برای غیبت امام خودت بر تو وارد شده است غافل نباشی، زیرا نماز عید حق خاص اوست و آن از مقامات معروفه اوست. پس بنگر حال به چه منوال گشته است که نماز با امام به نماز تو و امثال تو مبدل شده است و به زمان حضور آن حضرت و اجتماع مؤمنان به نماز او و نمازشان با او تفکر نمای و در پیش خویش میزان بگیر که چون برای مؤمن خطیب، امام او باشد و سخنش را بشنود و از علومش فرا گیرد حال او چگونه خواهد بود؟!

اینگونه هم می توان عید گرفت!

برخی از مردم عید را به معنی نشاط و شادی ظاهری دانسته و با پوشیدن لباسهای نو و رنگارنگ و با تدارک غذاهای متنوع و شیرینی و شربت و گفتن و خندیدن و سیاحت و تفریح بی محتوا خود را سرگرم می کنند. در حالی که عارفان با بصیرت و اولیاء خاص الهی با چشم دل، به عید نگریسته و زوایای

معنوی آن را جستجو می کنند. آری بخش مهم از کوشش های مردان الهی در ایام عید بُعد اجتماعی دارد که در حل مشکلات برادران دینی، رسیدگی به نیازمندان و محرومان و گرفتاران، شاد و مسرور ساختن برادران و خواهران دینی، کمک به مستضعفان فکری جامعه و اهتمام به مسائل عمومی مسلمانان جلوه می کند.

امام سجاد (ع) اینگونه جشن گرفت!

امام صادق علیه السلام فرمود: شیوه حضرت علی بن الحسین علیهما السلام در ماه رمضان چنان بود که هر گاه غلامان یا کنیزان آن حضرت خطائی را مرتکب می شدند آنان را تنبیه نمی کرد. آن حضرت فقط خطاها و گناهان آنان را در دفتری ثبت کرده و تخلفات هر کس را با نام و موضوع مشخص می نمود. در آخر ماه همه غلامان و کنیزان را جمع کرده و در میان آنان می ایستاد. آنگاه از روی نوشته تمام کارهای خلاف آنان را که در طول ماه رمضان مرتکب شده بودند برایشان گوشزد می کرد و به تک تک آنان می فرمود: فلانی تو در فلان روز و فلان ساعت تخلفی کردی و من ترا تنبیه نکردم! آیا به یاد می آوری؟ می گفت: بلی ای پسر رسول خدا! و تا آخرین نفر این مطالب را متذکر می شد و آنان به اشتباهات و خطاهای خود اعتراف می کردند. آنگاه به آنان می فرمود: «ارفعوا اصواتکم و قولوا یا علی بن الحسین! ان ربک قد احصى عليك کلما عملت کما احصیت علينا کلما قد عملنا و لدیه کتاب ینطق علیک بالحق لا یغادر صغیرة ولا کبیرة مما اتیت الا احصاها و تجد کلما عملت لدیه حاضرا...؛ با صدای بلند بگوئید: ای علی بن الحسین! پروردگارت تمام اعمال و رفتار تو را نوشته است چنان که تو اعمال ما را نوشته ای. نزد خداوند نامه اعمالی هست که با تو به حق سخن می گوید و هیچ عمل ریز و درشتی را فروگزاری نمی کند و هر چه انجام داده ای به حساب آورده و تمام آنچه را که انجام داده ای نزد او حاضر و آماده خواهی یافت، چنان که ما اعمال خود را در نزد تو آماده و ثبت شده دیدیم. پس ما را ببخش همچنان که دوست داری خدا تو را ببخشد.

ای علی بن الحسین! به یاد آر آن حقارت و ذلتی را که فردای قیامت در پیشگاه خدای حکیم و عادل خواهی داشت. آن پروردگار عادل و حکیمی که ذره ای و کمتر از ذره ای به کسی ظلم و ستم روا نمی دارد و اعمال بندگان را همچنان که انجام داده اند به آنان عرضه خواهد کرد و حساب و گواهی خدا کافی است ... ببخش و عفو کن تا پادشاه روز قیامت از تو عفو کرده و در گذرد چنان که خودش در قرآن می فرماید: «ولیعفو و لیصفحوا الا تحبون ان یغفر الله لکم والله غفور رحیم؛ باید ببخشند و در گذرند. آیا دوست ندارید خداوند شما را ببامرزد؟ او خداوند آمرزنده و مهربان است.



سازمان اوقاف و امور خیریه
سازمان خیرات و خیرات

شاخص

عید خوبان

یکی از اعیاد بزرگ اسلامی عید سعید فطر است . این عید پاداشی است که خدای تعالی به همهٔ بندگان صالحش که ماه رمضان را به عبادت و انس با خدا و طهارت جسم و روح گذرانده اند، عنایت می‌فرماید. این عید، برای کسانی مبارک است که ضیافت الهی را با اطاعت از فرامین الهی به خوبی درک کرده باشند.

در اسلام دو عید است که به عنوان عید به رسمیت شناخته شده است . عید شریف فطر، عید است برای ضیافت الله و عید شریف قربان برای لقاءالله . اگر از این ضیافت درست بیرون آمدید، آن وقت عید دارید، عید مال کسی است که در این ضیافت راه یافته باشد، استفاده کرده باشد از این ضیافت .

امام خمینی(ره)

روز دعا

عید فطر، روز عیدی گرفتن از خدای متعال است؛ روزی است که در قنوت نماز عید فطر، میلیون‌ها دل متذکر و خاشع از خداوند متعال درخواست کردند همان خیراتی را که به برترین بندگانش داده است، به آنها هم بدهد و از شروری که برترین و بزرگ‌ترین انسان‌های تاریخ را از آن دور نگاهداشته است، آنها را هم دور بدارد. آن خیرات، در درجه اول، عروج به مقام توجه به خدا، عبودیت خدا، آشنا بودن و مرتبط بودن با خدا و الهام گرفتن از حضرت حق در همه گفتارها و کردارها و آنات زندگی است، و بدترین شورو، شرک به خدا، خضوع در مقابل قدرت‌های غیر الهی و ضد الهی و بنده و برده دیگران بودن است.

مقام معظم رهبری

فطر شناسی

عید چیست؟

عید روز توجه خاص خدا بر بندگان خود و فراخواندن آنها در پیشگاه پروردگار و روز پوشانیدن جامه محبت او بر دلهاست. روز عید، روز عمل و خوشحالی از قبول آن و روز اجابت درخواست بندگان از جانب پروردگار است. این روز، روز بخشیدن جوایز و نوشتن امان نامه برای بندگان می‌باشد و زمان تهیه آن

چیزی است که در منزلی که انسان در پیش دارد، به کار او می‌آید.

روز عید، روزی است که خداوند درهای احسان خود را به روی همه می‌گشاید و گرم و بخشش خویش را اشکار می‌کند. حال که خداوند کریم و بخشنده سفره عطا و بخشش گسترده، چه خوبست که هم نیکوکاران و هم گنهکاران با اعتراف (به نیاز و تقصیر خویش) و حیاء و شرمساری و امید بر سر این سفره جمع شوند که یقینا در این صورت آنان از لطف و احسان خدا بی‌بهره نخواهند ماند.

حال که به در خانه خدای خود آمده‌ایم:

با او چه بگوییم و او را چگونه بخوانیم؟

امام سجاد علیه السلام چه زیبا به ما می‌آموزد که به خدایمان چه بگوییم و چگونه سفره دل به درگاه عظیمش بکشاییم:

«ای کسی که رحم می‌کنی بر کسی که بندگانت بر او رحم نمی‌کنند.

و ای آنکه می‌پذیری کسی را که سرزمینها، او را نمی‌پذیرند.

و ای کسی که نیازمندان آستانت را خوار و کوچک نمی‌کنی…

و ای کسی که دست رد بر سینه روی آورندگان به بارگاہت نمی‌زنی.

و ای آنکه تحفه‌های کوچک را می‌پذیری و در برابر کارهای اندک سپاس می‌گویی…

و ای کسی که به هر که به تو نزدیک شود نزدیک می‌شوی.

و ای آنکه کسانی را که به تو پشت می‌کنند، خودت می‌خوانی…

هر بزرگی در نزد تو کوچک است و هر شریفی در کنار شرافت تو حقیر و ناچیز. آنها که بر غیر تو وارد شدند، بحق ضرر کردند و آنانی که به جز تو به سوی دیگران رفتند، دچار خسران گشتند و آنها که در آستان غیر تو گرد آمدند، تباہ شدند… در گاه تو به روی علاقه‌مندان گشوده و جود و بخشش تو برای درخواست کننده آستانت جاری است و یاریت نسبت به یاری جویان نزدیک. آرزومندان هرگز از تو ناامید نمی‌شوند و آنها که به سوی تو می‌آیند، هیچگاه مأیوس نمی‌گردند… روزی تو (حتی) برای کسی که تو را نافرمانی می‌کند هم گسترده است و شکیبایی تو حتی شامل آن کس که با تو دشمنی نموده نیز می‌شود.

پس اینک این من عاجزم که قصد ورود به محضر تو دارم و از تو حسن عطا و بخشش طلب می‌کنم، پس بر محمد و آل او درود فرست و راز و نیاز مرا بشنو و دعایم را مستجاب گردان و روزگار مرا با ناامیدی به پایان مبر و درباره خواسته‌ام دست رد بر پیشانی من مزن…

شبیه روز قیامت

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در روز عید فطر خطبه‌ای ایراد کردند و چنین فرمودند:

ای مردم! امروز شما، روزی است که در آن به نیکوکاران پاداش داده می‌شود و بدکاران در آن زیان می‌کنند. امروز، شبیه‌ترین روزها به قیامت شماست. با بیرون آمدن از خانه‌هایتان به مصلی، از بیرون آمدن از گورها و رفتن به پیشگاه خداوند یاد کنید، و از توقف و ایستادن در محل نماز، وقوف خود در برابر خدا را به یاد آورید، و از بازگشت به خانه‌هایتان، بازگشت خود را به جهنم و بهشت فرا یاد آرید.

عید معنویت

غرض از عید نه آن است که از باب جلال

جامه‌ها ناز بپوشند به الطاف مزید

ای خوش آن عید کز آن شاه و گدا خوش باشند

که چنین عید سعید است و جز این نیست سعید

یکی از یاران آن حضرت می‌گوید روز عید فطر در خانه امیرمؤمنان بر او وارد شدم. در مقابل او، سفره‌ای گسترده و غذای بسیار متواضعانه‌ای در مقابل حضرت گذاشته شده بود. عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! شما روز عید چنین غذای کم‌اهمیت و کم‌ارزشی می‌خورید؟ معمول این است که در روزهای عید، مردم بهترین غذاهای خود را می‌خورند؛ شما به این غذا اکتفا کردید؟ فرمود: امروز، روز عید است، اما برای کسانی که مورد مغفرت الهی قرار گرفته باشند؛ یعنی عید بودن امروز، به خوردن غذاهای رنگین و دل‌خوش کردن به شادی‌های کودکانه نیست. این عید واقعی است برای کسانی که بتوانند و توانسته باشند مغفرت الهی را برای خودشان تحصیل کنند.

یک ماه خوب نباشیم!

شانه به شانه صف می‌کشند. دست‌های نیاز که به سمت آسمان بلند می‌شود، زمزمه «اللهم اهل الکبرياء و العظمۃ و اهل الجود و الجبروت» اوج می‌گیرد. احساس می‌کنی پاهایت از زمین خاکی جدا شده است و در فضای دیگری سیر می‌کنی؛ فضای خلوص، تسلیم و تقوا. این حس، پاداش یک ماه روزه‌داری خالصانه پرهیزکاران است که نصیب مؤمنان حقیقی می‌شود.

شیرینی که به دهان می‌بری و کامت در روز عید شیرین می‌گردد، نشانه این است که در بقیه ایام سال نیز باید به شیرینی‌ها، خوبی‌ها و خلوص رمضان وفادار بمانی. اجازه ندهی تلخی گناهان ریز و درشت، دامن زندگی و ثانیه‌هایت را بگیرد. خوب بودن فقط مختص یک ماه نیست. خوب بودن را در سراسر زندگی به همراه داشته باش. «اللَّهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُکَ خَیْرَ مَا سَأَلَکَ بِهٖ عِبَادُکَ الصَّالِحُوْنَ وَ اَعُوْذُ بِکَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُکَ الْمُخْلَصُوْنَ»

وداع و سلام

بهار بندگی را به بادنه‌نوشی آمده‌ام و به شکرانه‌ات جان خواهم افشانند. ای عشق، ای بهار، ای نور، لبیک!

لبیک، ای صدای الله اکبر گلدسته‌ها!

لبیک، ای شور نهفته در قلب این همه عاشق!

لبیک ای خدای رمضان، ای خدای فطر!

رمضان آمده بود تا از عشق‌های جاری در کوچه پس کوچه‌ها بگوید که دل‌تنگی بیوه‌زنان را می‌شوید و غفلت روزمرگی مردمان را. رمضان آمده بود تا میزبان را به مهمانی خدا ببرد؛ آمده بود تا جاری کند نمازمان را در کوچه‌های نیاز.

بوی وداع می‌آید…

خدایا، مهربانا ، پروردگارا ، دوستا و آفریدگارا! نیک می‌دانستی که از خاک بودنم مرا از پرواز باز خواهد داشت و از آنجا که دوستم داشتی ، رهایم نکردی. بهار رمضان را در چرخش ایام بر سر راهم قرار دادی ، تا سر و تن ، دل و جان ، و خویشتن خویش را در بارش باران های رحمت تو ، باران های رحمت رضانی ات ، از هرچه آلودگی و سنگینی و گردوغبار ، بشویم و پاک کنم.

تو مرا به مهمانی‌ات فراخواندی ، تا در برابر نگاهت ، در حضور باشکوه و مهربانت ، در بارگاه معنوی ضیافت نورانی ات ، دوباره به یاد فطرتم ، خود خود خودم بیفتم ، از وابستگی ها ، دلبستگی ها ، شبکه رکودآور روزمرگی ها ، بگذرم و روح تنها و دل مظلومم را ، در آن اعماق در آن انتها بیایم و در آن سویدای دلم ، با فطرت نخستینم ، با آینه ای که در برابر خوبی ها و پاکی ها و خودت داشتم ، به نماز فطر تو بیایم.

خداحافظ ای ماه زلال بارانی ، ای ماه نسیم های بهشتی ، خداحافظ ای ماه کوزه های کوثری ، ای ماه زمزمه های حیدری ، خداحافظ ای ماه طلوع ، اشراق ، نور و رهایی ! تو امروز می روی اما بدان دل به فطرت رسیده من ، تا حضور دوباره تو اشتیاق سبزش را به ذکر و تسبیح به شکوفه خواهد نشاند.

عید نماز یا نماز عید

خطرات نماز عید!

بپرهیز از این که مجمع نماز عید فطر را کوچک شماری. زیرا اهل آن، فرشتگان مقرب، پیامبران و رسولان، شهدا و صدیقین و بندگان صالح خدا هستند . شرمسار باش که حاضرین مجلس در بهترین حالات باشند – همگی پاک، مقدس، آراسته، بر سر ایشان تاج کرامت مراقبت خدای جلیل بوده، بر بدن

هاشان لباسهای توجه به خدا، بر دل‌هایشان جامه اشتغال به خدا و بر بدن‌هاشان لباس باز داشتن از نافرمانی خدا، بر دست‌هایشان انگشتر نگشودن دست به نافرمانی خدا و بر پاهایشان کفش منع از رفتن در حرامهای خدا – و سر تو برهنه از لباس نگهداشتن از مخالفت با خدا و بر دستت انگشتر ستم بر بندگان خدا بوده و پایت برهنه از رفتن به سوی طاعت خدا باشد .

عکس العمل امام رضا (ع) به تغییر سبک نماز خواندن

چکمه ها را پاره کنید!

مامون به حضرت رضا اصرار داشت که می‌خواهم نماز عید فطر را شما بخوانید. امام فرمود: من از اول با تو شرط کردم که فقط اسمی از من باشد و من کاری نکنم. (مامون گفت:) نه آقا! من خواهش می‌کنم. شما از نماز هم ابا می‌کنید؟! این که یک کار مربوط به مردم نیست که بگویید پای ظلمی در کار می‌آید. لاف‌ل همین یک نماز را شما بخوانید. در اینجا حضرت جمله‌ای می‌گوید نظیر جمله امام حسین و نظیر جمله حضرت علی علیه‌السلام در جریان بیعت بعد از عمر. فرمود: من به یک شرط حاضرم، من نماز می‌خوانم اما با سیره جدم و پدرم، نه با سیره شما. مامون با آن همه زرنگی که داشت (از نظر خودش) احمق شد. گفت: بسیار خوب، به هر سیره و روشی که می‌خواهید بخوانید. فکر می‌کرد غرض این است که کاری را به عهده حضرت رضا علیه‌السلام گذاشته باشد تا مردم بگویند پس امام رضا عملاً هم قبول کرد.

در روز عید فطر، امام رضا علیه‌السلام به اطرافیان خود فرمود: لباسهای عادی بپوشید، پاهارا برهنه کنید، دامن عباه‌ها و آستین هایتان را بالا بزنید و ذکرهایی را که من می‌گویم شما هم بگویید. حالتان حالت خشوع و خضوع باشد. ما داریم به پیشگاه خدا می‌رویم، توجهتان به خدا باشد. ذکرها را که می‌گویید، خدا را در نظر بگیرید. امام عمامه‌اش را به شکلی که پیغمبر می‌بست بسته است، لباسش را به شکلی که پیغمبر می‌پوشید پوشیده است، عبا به شکل پیغمبر به دست گرفته، پاهایش را برهنه کرده، با یک حالت خضوع و خشوعی! از همان داخل منزل که بیرون می‌آمد، با صدای بلند شروع کرد به گفتن «الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر علی ما هدانا و له الشکر علی ما اولانا».

سالهاست که مردم این ذکرها را درست نشنیده‌اند. کسانی که همراه حضرت بودند، وقتی آن حال الهی حضرت را دیدند که منقلب شده، خودش را در حضور پروردگارش می‌برد و اشک‌های مبارکش جاری است، با حالت خضوع و خشوع، با معنویت تمام و در حالی که اشک هایشان جاری بود فریاد کردند: «الله اکبر، الله اکبر علی ما هدانا و له الشکر علی ما اولانا» حضرت می‌گوید و اینها تکرار

۶

۵

۴

۳

۲